

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ناشر: اتحادیه عمومی محصلان افغانی در خارج از کشور  
نشر و پخش: سنبله ۱۳۵۷ شمسی  
بازتایپ و ارسال: همایون اوریا  
۰۸ فبروری ۲۰۲۲

## کودتای هفت ثور سوسیال فاشیسم یا "انقلاب توده ئی"؟ (۵)

تکامل اقتصادی که همانا زیربنای یک جامعه است، تصویری از جوامع مختلف می دهد که از نگاه تاریخی این جامعه در کدام مرحله از تکامل خود قرار دارد و همچنان همین زیربنای اقتصادی تعیین می کند که کدام طبقه یا طبقات در مبارزه با هم قرار دارند، کدام طبقه دارای وسایل تولید است و کدام طبقه محروم از وسایل تولید، کدام طبقه استثمارگر است و کدام طبقه یا طبقات استثمار شونده و بالاخره کدام طبقه پیشرو و چرخ تاریخ را به پیش می برد و کدام طبقه می خواهد جلو آن را بگیرد.

علت عمده کودتای [۲۶ سرطان]، رشد جنبش انقلابی و حاد شدن تضاد خلق و ضد خلق بود. همان طوری که گفتیم، نظر به رهبری اپورتونیستی، جنبش انقلابی نتوانست راهی پیدا کرده و قدرت را به دست خلق برساند، بلکه طبقات حاکمه به صورت موقت در این مقطع به جنبش ضربه وارد کردند و دولت فاشیستی در کشور سایه شوم خود را هموار ساخت. این دولت که در رهبری آن داوود فاشیست قرار داشت، از یک طرف که با حیلۀ جمهوریت، "انقلاب ملی و دموکراتیک"، "سوسیالیسم"، به فریب توده ها می پرداخت، از طرف دیگر با ترور فاشیستی که در ماهیت آن نهفته بود، هر گونه صدای حق طلبی را در گلو خفه می کرد. دولت فاشیستی داوود به منظور استثمار هر چه بیشتر خلق، دروازه های کشور را بر روی امپریالیست ها و سوسیال امپریالیست ها باز تر نمود. شدت استثمار هر روز بر گرده خلق ما گرانی می کرد. قیمت های مواد اولیه زندگی به طور سرسام آور بلند می رفت. بیکاری به اندازه ای زیاد گردید که بیشتر از ۳ میلیون کارگر و زحمتکش افغانستان ترک میهن نموده و آواره کشور های همجوار گردیدند تا لقمه نانی پیدا کنند. قرضه های کمر شکن کشور های امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی هنوز هم وضع اقتصادی کشور را به

بحران کشید، و سراسر کشور را هرج و مرج فرا گرفته بود. طور مثال افغانستان در سال های ۱۹۷۴-۱۹۷۳ برابر به ۵۸۹.۱۵ میلیون دالر جهت ادای قروض خویش تنها به شوروی پرداخته که از آن جمله مبلغ ۵۵۷.۷ میلیون دالر آن سود قروض شوروی بود. در سال ۱۹۷۴-۷۵ برابر ۶۸۹.۱۹ میلیون دالر جهت ادای قروض به شوروی پرداخته که در این زمان از آن جمله ۵۷۵.۸ میلیون دالر آن سود قروض شوروی بود. در سال ۱۹۷۵-۷۶ برابر با ۴۱۲.۱۳ میلیون دالر و سودی که پرداخته شد، ۵۷۶.۱ میلیون دالر به شوروی بود. خلاصه از سال ۱۹۷۳ - الی سال ۱۹۷۶ افغانستان مبلغ ۷۲۰.۱۷ میلیون دالر به شوروی تنها سود پرداخته است. این ارقام نشان می دهد که دولت سوسیال امپریالیستی شوروی چقدر در مکیدن خون خلق زحمتکش ما سهیم بوده است.

جیره خواران و سوسیال فاشیست های وطنی ما ("پرچم و خلق") با هزاران حيله و نیرنگ کوشیدند که این دولت فاشیستی کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ را "انقلابی"، "ملی"، "دموکراتیک" و "سوسیالیستی" جلوه دهند. داوود فاشیست را به نام "رهبر انقلاب" و "رهبر ملی" و کودتای فاشیستی آن را "انقلاب"، قانون فاشیستی جزاء و قانون اساسی قلابی آن را "قانون سوسیالیستی" جا زدند.

همان طوری که خود شان اکنون ادعا دارند که این کودتا به کمک ایشان صورت گرفته، لذا آنها شریک جرم داوود فاشیست و دولت فاشیستی اش بوده و خلق افغانستان خونبهای فرزندان قربانی شده خود را از ایشان حتماً گرفتاری است. این ها می خواستند با اعمال ضد خلقی و فریبکارانه خود جلو چرخ تاریخ را بگیرند، اما از آن جایی که ارتجاع و امپریالیسم نمی تواند با حيله و نیرنگ جلو چرخ تاریخ را سد شوند، بزودی چهره کثیف این دولت نیز به خلق افشاء گردید. اعتصابات کارگران، قیام های دهقانان، مخالفت مستقیم با دولت داوود از جانب خرده بورژوازی شهر و ده، روشنفکران، پخش شبنامه های ضد دولتی از جانب عناصر انقلابی... خلاصه بحران اقتصادی شدیدی دامنگیر جامعه گردیده بود که این خود باعث حدت تضاد بین خلق و ضد خلق گردید. از طرف دیگر تزاران روسی در اواخر "جمهوریت" داوود و نمایان شدن چهره واقعی دولت داوود به خلق افغانستان، که دیگر نه حيله "قانون اساسی" و نه حزب فاشیستی "انقلاب ملی" و نه ترور علنی زحمتکشان، هیچ کدام جلو مبارزات خلق را سد شده نتوانست. طبقات حاکمه افغانستان برای نجات خویش از سرنگونی و استفاده از ضعف رهبری جنبش آگاه، آخرین تیر خود را از کمان رها کردند. با کودتای سوسیال فاشیستی و کمک مستقیم دستگاه فاشیستی کی. جی. بی. دار و دسته رویزیونیستی "پرچم و خلق" بر سر قدرت رسیدند.

علت عمده این کودتا باز هم، طوری که ترسیم کردیم، حاد شدن تضاد خلق و ضد خلق بود که به علت ضعف رهبری جنبش و نبودن حزب کمونیست، نیرو های ارتجاعی یک بار دیگر بر انقلاب چیره گردیده و با پیروزی موقتی خود را از مرگ حتمی نجات دادند. با وجود آمدن این کودتای سوسیال فاشیستی ۷ ثور در ساختار ارگان های دولتی کدام تغییری وارد نگردید. تنها تغییری که دیده می شود همانا در رهبری دولت است که فاشیست ها عقب زده شدند و سوسیال فاشیست ها روی کار آمدند تا برای چند صبحی از طریق عملی نمودن اراجیف جدید رویزیونیستی در کشور عمر مرتجعان داخلی و خارجی را دراز نمایند. دار و دسته "پرچم و خلق" که با ماهیت ضد خلقی هر قدر این کودتا را "انقلاب" جا بزنند، همانطوری که کودتای فاشیستی ۲۶ سرطان را "انقلاب" جا زدند ولی قادر نشدند آن را به جای انقلاب واقعی بر خلق بفروشد این بار نیز قادر نخواهند شد و مسلماً ناکام می گردند.

تره کی - این شاه شجاع نوین روسی و ملاک بوروکرات در بیانیه رادیویی ۲۰ ثور خود چنین گفت: "قیام هفت ثور ۵۷ به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در روز روشن و در کم ترین زمان و با کم ترین ضایعات طومار سیاه رژیم تروریستی و طراز فاشیستی محمد داوود را درهم پیچید. بدین جهت قیام انقلابی هفت ثور به معنای واقعی کلمه

یک انقلاب ظفر آفرین خلق افغانستان است نه یک کودتا". این خائن به دلیل این که چون کودتا در روز روشن صورت گرفته، می خواهد آن را من حیث انقلاب سودا کند. ای خائن! انقلاب کار توده ها است، نه کار طبقات حاکم و قوه قهریه دولت فاشیستی داوود و امثال آنها! شما خائنان که خود را "سوسیالیست" جا می زنید، به این گفته لنین گوش کنید:

"اگر به عنوان مثال انقلاب های سده بیستم را در نظر بگیریم، آنگاه البته باید هم انقلاب پرتغال و هم انقلاب ترکیه را بورژوازی بدانیم. ولی نه این و نه آن، هیچ یک انقلاب "خلق" نیست، زیرا توده خلق، اکثریت عظیم نه در این و نه در آن انقلاب به طور فعال، مستقل و با خواست های اقتصادی و سیاسی خود برآمد مشهودی نداشته اند." (لنین: "دولت و انقلاب"، آثار منتخب، صفحه ۳۵۰ چاپ فارسی).

وی ادامه می دهد: "در هیچ یک از کشورهای قاره اروپا در ۱۸۷۱ پرولتاریا اکثریت خلق را تشکیل نمی داد. انقلاب "خلق" یعنی انقلابی که واقعاً اکثریت را به جنبش جلب نماید، فقط وقتی می توانست آن انقلابی باشد که هم پرولتاریا و هم دهقانان را در بر گیرد. در آن زمان این دو طبقه بودند که "خلق" را تشکیل می دادند. دو طبقه نامبرده را این موضوع متحد می سازد که هر دوی آنها توسط ماشین بوروکراتیک و نظامی دولتی "در معرض ستم، فشار و استثمار قرار گرفته اند. خرد کردن این ماشین و درهم شکستن آن - اینست آن چه دهقانان را در بر دارد. اینست "شرط مقدماتی" اتحاد آزادانه دهقانان تهیدست با پرولتاریا و بدون چنین اتحادی، دموکراسی پایدار نبوده و اصلاحات سوسیالیستی محال است". (همانجا)

حال شما خائنان که دم از سوسیالیسم می زنید، در این "انقلاب" تان کدام تعداد دهقانان و کدام تعداد کارگران شامل بودند؟ و کودتا خود یک عملی است، مخفی در درون طبقات حاکم. انقلاب عملیست که مخفی نبوده، بلکه تمام طبقات خلق از آن با خبر بوده، با شعار های انقلابی و خواست های طبقاتی معین تحت رهبری حزب پیشاهنگ طبقه کارگر نظامات حاکمه را سرنگون و دولت دیکتاتوری زحمتکش و بالاخره دیکتاتوری پرولتاریا و سوسیالیسم را می سازد.

در حالی که از کودتای سوسیال فاشیستی شما به جز خود تان و اربابان سوسیال فاشیستی تان و کی. جی. بی، کسی دیگری خبر نداشت. شما آن قدر از توده ها ترس دارید که خود را "مسلمان" جا زدید، تا از عقاید و عنعنات خلق استفاده سوء کنید. طبقه کارگر که با پیشتازی گردان پیشاهنگ خود انقلاب را رهبری می کند، هیچ گاهی از ذکر ایدئولوژی راستین خود که نجات خود و تمام زحمتکشانش را در آن می بیند، اباء نورزیده، بلکه آن را وسیعاً تبلیغ می کند، در حالی که شما از ذکر نام مارکسیسم - لنینیسم بر خود می لرزید. این خود نشان دهنده آنست که کودتای ننگین و سوسیال فاشیستی شما هیچ گاهی انقلاب طبقه کارگر و توده های خلق نبوده، بلکه در بند کشیدن شان به زیر یوغ امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم می باشد.

تره کی و دار و دسته خائنش به داوود گویا فاشیست خطاب کرده و برای فریب توده ها از رژیم داوود من حیث رژیم ترور و طراز فاشیستی داوودی سخن می راند. ای خائنان! مگر این شما نبودید که داوود را "سوسیالیست"، "رهبر انقلاب"، "رهبر ملی" و... جا زدید؟ خلق ما چهره واقعی شما را خوب شناخته و مبارزه پیگیر خود را علیه شما پیش می برد تا انقلاب دموکراتیک و ملی را به رهبری طبقه کارگر و حزب پیشاهنگش (حزب کمونیست افغانستان) پیروز نموده و شما خائنان و دولت تان را سرنگون نموده و دست سوسیال امپریالیسم روسی، سایر امپریالیست ها و مرتجعان را از سرزمین خود کوتاه نماید و جمهوری دیکتاتوری دموکراتیک زحمتکشانش را به مثابه گذرگاهی به سوی انقلاب سوسیالیستی، برقراری دیکتاتوری پرولتاریا، استحکام آن و ایجاد جامعه بدون طبقه، یعنی کمونیستی بنا نماید.

سرنگون باد دولت سوسیال فاشیستی هفت ثور در افغانستان!

مرگ بر دار و دسته های رویونیستی و سوسیال فاشیستی "پرچم و خلق"!

مرگ بر سوسیال امپریالیسم روسی، این امپریالیسم عمده در افغانستان!  
مرگ بر سایر امپریالیست ها و کلیه مرتجعان!  
زنده باد مبارزات بحق خلق افغانستان!  
وحدت، پیکار، پیروزی  
اتحادیه عمومی محصلان افغانی در خارج از کشور  
سنبله ۱۳۵۷ شمسی